



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۳ مهر ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- حکم نظر به تصویر زن- مقام سوم: نظر به تصویر زن- ادله عدم جواز-

مصادف با: ۱۶ صفر ۱۴۴۲

دلیل سیزدهم و چهاردهم و بررسی آنها- ادله تفصیل بین معروف و غیر معروف و بررسی آنها

جلسه: ۱۶

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله حرمت نظر به تصویر زن بود. تا اینجا تقریباً تمام دلیل‌هایی که برای حرمت نظر به خود مرآة اقامه شده بود و چه بسا به آنها برای اثبات حرمت نظر به تصویر مرآة هم استدلال شده، ذکر شد و یکایک مورد بررسی قرار گرفت. سه آیه بود و بعد برخی روایات، مسأله اجماع، ضروری دین، اینها همه مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد که این ادله نمی‌تواند حرمت نظر به تصویر المرأة را ثابت کند.

دلیل سیزدهم

چند دلیل دیگر باقی مانده که اینها را بررسی می‌کنیم. یکی روایاتی که در آنها نهی شده از اینکه زنان مسلمان در برابر زنان یهودی و نصرانی، بدون پوشش و حجاب ظاهر شوند. این البته معلل شده به اینکه «لانهن ینفنن لازواجهن»؛ برای اینکه اینها آنچه را که می‌بینند، برای شوهرانشان توصیف می‌کنند. این نهی البته نهی تنزیهی است و نهی تحریمی نیست؛ یا ارشاد به ترک این کار است، یعنی بدون پوشش در برابر آنها ظاهر نشوند که عمدتاً هم همین است والا یک نهی تنزیهی مولوی بعید است در اینجا قید شده باشد. مستدل ممکن است به این تعلیل که در این روایت وارد شده استناد کند که وقتی توصیف زن برای مرد اجنبی جایز نباشد، طبیعتاً عکس هم همین خصوصیت را دارد. این توصیف به نوعی شرایط، موقعیت، زینت‌ها و خصوصیات زن مسلمان را برای مرد نامحرم آشکار می‌کند. اگر این تعلیل اینجا مورد توجه قرار بگیرد، تصویر هم همین نقش را دارد؛ تصویر هم باعث می‌شود این خصوصیات و این زینت‌ها یا مواضع زینت، آنچه که نباید دیده شود، برای دیگران آشکار شود و بلکه اینجا به طریق اولی باید ممنوع باشد؛ چون در صورت اول توصیف فقط در حد بیان است و خیلی معلوم نیست جزئیات را کما هو بیان کند. اما تصویر یک چیزی است که کاملاً همه خصوصیات و جزئیات را نشان می‌دهد. پس با تمسک به اولویت قطعی این روایات می‌توان استفاده کرد نگاه کردن به تصویر جایز نیست.

بررسی دلیل سیزدهم

این دلیل همانطور که حتماً به ذهن شما رسیده، کما تری، این دلیل نمی‌تواند حرمت نظر به تصویر را ثابت کند. چون اصل حرمت کشف در برابر زنان کتابی ثابت نیست. این در واقع یک نهی تنزیهی است که ارشاد می‌کند به یک امری که کآن اگر نباشد، بهتر است؛ این یک نهی الزامی نیست و آنچه که اینجا ذکر شده هم علت نیست. این یک حکمتی است برای نهی که در واقع دارد ارشاد به آن حکمت می‌کند که کآن بهتر آن است که در برابر زنان یهودی و نصرانی زینت‌هایتان را آشکار نکنید،

مستور باشید، سترتان را حفظ کنید تا خدای نکرده یک وقت اینها نروند و شما را و خصوصیات بدن شما را برای آنها توصیف کنند. لذا این دلیل واقعاً قابل استدلال برای حرمت نظر نیست.

دلیل چهاردهم

دلیل دیگری که اینجا می‌توان به آن تمسک کرد برای اثبات حرمت نظر به تصویر المرأة، روایاتی است که به نوعی در آنها حکمت حرمت نظر به خود زن بیان شده است. آن حکمت‌ها در مورد تصویر هم جاری است، پس باید بگوییم نظر به تصویر المرأة هم جایز نیست. البته بعضی از روایات یا ادله‌ای که ما جلسه گذشته خواندیم، مثل «النظر سهم من سهام ابلیس» یا «النظر زنا العين»، اینها هم به نوعی در واقع مبین حکمت‌های نظر و تحریم هستند، لکن باتوجه به اینکه آن دو روایت بیشتر ناظر به یک نوع نظر خاص هستند، نظر با لذت، نظر همراه با شهوت، طبیعتاً آنها را ما جداگانه ذکر کردیم. چون آن روایات هم به خصوص مورد استناد قائلین به حرمت نظر به خود مرأة قرار گرفته بودند. اما این روایت یا روایاتی نظیر آن به نحو کلی راجع به نظر به اعضای زن نامحرم حکمت‌هایی را بیان کرده است. این روایت از محمد بن سنان است؛ البته به صورت مکتوب سؤالاتی را از امام (ع) مطرح کرده و امام (ع) هم پاسخ داده‌اند. می‌فرماید: «و حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَإِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَيْهِ مِنَ الْفَسَادِ وَالدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ وَكَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ إِلَّا الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَالتَّقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ أَيْ غَيْرِ الْجِلْبَابِ فَلَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شُعُورِ مِثْلِهِنَّ»^۱ می‌فرماید اینکه نظر به موی زنانی که ازدواج کرده‌اند و آنهایی که ازدواج نکرده‌اند حرام شده، برای این است که این موجب تهییج مردان می‌شود. تهییج و تحریک و برانگیخته شدن؛ کأن موجب بیدار شدن غول شهوت در آنها می‌شود و باعث برانگیخته شدن انسان می‌شود و باعث می‌شود انسان به سوی فساد و چیزی که انجام دادن آن حلال و نیکو نیست و نیز نگاه به آنچه که از این جهت مثل مو است، واداشته شود. یعنی مهیج است و موجب برانگیخته شدن می‌شود، الا قواعد من النساء که ما با استثنا کاری نداریم.

اینجا حکمت حرمت نظر به موی زن و آنچه که شبیه به موی زن است بیان شده است. حکمت تحریم نظر به مو و غیر مو از زنان اجنبیه چیست؟ این است که رجال را تهییج می‌کند. حالا تهییج کند چه می‌شود؟ «وَمَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَيْهِ»، نفس تهییج را نمی‌گوید؛ آنچه که تهییج را به دنبال دارد «مِنَ الْفَسَادِ وَالدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ»؛ فساد و وارد شدن در کارهایی که حلال نیست و زیبا و نیکو شمرده نمی‌شود. عمده این است که حرمت نظر به زن نامحرم مسأله تهییج الرجال و آنچه که به دنبال تهییج حاصل می‌شود که عبارت است از فساد و کلاً کارهای نازیبا و ناشایست؛ این حکمت تحریم نظر به خود زن است.

روایت از نظر سندی اجمالاً قابل اعتماد است. شیخ صدوق این روایت را از سه طریق از محمد بن سنان نقل کرده که یک طریق آن، طریق معتبری است. علی بن احمد بن عبدالله برقی و علی بن عیسی و ابوجعفر محمد بن موسی برقی از محمد بن علی ماجیلویه عن احمد بن محمد بن خالد عن ابیه عن محمد بن سنان. این سند در مقایسه با آن دو طریق دیگر خوب است و مشکلی ندارد. در مورد خود محمد بن سنان هر چند اختلاف است ولی ما در بحث‌های رجالی خودمان او را ثقة دانستیم و گفتیم به روایات او می‌توان اعتماد کرد. پس از نظر سند روایت فی الجمله مقبول است. چون مطالب برای این جلسه زیاد

۱. عیون اخبار الرضا، باب ۳۱، ح ۱؛ علل الشرایع، باب ۳۶۴، ح ۱.

است و این بحث‌ها را در مورد محمدبن سنان قبلاً داشتیم، ارجاع می‌دهم به کتاب مسائل بنیادین علم رجال که آنجا درباره محمدبن سنان به تفصیل بحث کردیم.

اما از نظر دلالت بالاخره روشن است که می‌خواهد بگوید نگاه به زن موجب برانگیخته شدن شهوانی است. کأن غریزه جنسی انسان را بیدار می‌کند و این مفاسدی به دنبالش دارد. قبلاً هم اشاره‌ای داشتم که آیا این در واقع همان لذت است یا غیر از لذت است؟ التذاز و لذت یک مسأله است؛ می‌گویند نگاه با لذت؛ اینکه یک حالتی مطابق و ملائم با نفس انسان پیش می‌آید و یک حظی در درون نفس او ایجاد می‌شود. این یک حالت فعلی است، اما یک مقدماتی دارد. اینکه مسأله تهییج را مطرح کرده، این در واقع خود لذت را نمی‌گوید؛ نمی‌خواهد بگوید این موجب لذت می‌شود بلکه می‌گوید در واقع حس شهوت را در مرد برمی‌انگیزاند و این غریزه جنسی برانگیخته می‌شود و منجر به آن مفاسد می‌شود. عبارت را دقت بفرمایید: «حرّم النظر الی لما فیه من تهییج الرجال»، چون نظر وقتی به مو یا ما اشبه ذلک باشد، موجب تهییج است و تهییج هم انسان را دعوت می‌کند به سمت فساد و دخول فیما لایحل و آن چیزهایی که زیبا نیست. پس می‌خواهد بگوید نفس تهییج المرأة موجب حرمت نظر به تصویر شده است؛ یعنی باعث تهییج می‌شود که این تهییج در واقع از مبادی قریب به فعل لذت است؛ باعث می‌شود لذت حاصل شود. حالا یک وقتی آن مفاسد به دنبال این می‌آید و یک وقت نمی‌آید.

ظاهر این روایت این است که حکمت حرمت نظر به موی زن و غیر مو تهییج و عوارض آن است. بدیهی است این حکمت در مورد تصویر هم وجود دارد. یعنی باید بگوییم تصویر المرأة هم یوجب تهییج الرجال و ما یدعو الیه التهیج من الفساد؛ نگاه به تصویر موی زن نامحرم یا اعضای بدن زن نامحرم هم این اثر را دارد؛ در اینکه موجب تهییج می‌شود، فرق نمی‌کند تصویر تلویزیون، تصویر ثابت، تصویر متحرک، موجب تهییج می‌شود و این تهییج هم یدعو الی الفساد؛ بگوییم به این اعتبار محل این حکم قرار می‌گیرد و این حکم هم در مورد نگاه به تصویر ثابت می‌شود.

بررسی دلیل چهاردهم

حالا می‌خواهیم ببینیم که آیا این استدلال درست است یا نه. اینجا در واقع ابتدا در مورد خود این روایت می‌خواهیم ببینیم آیا بالاخره این حکمت به نحوی است که نظر به مرأه را در صورت این تهییج حرام می‌کند یا مطلقاً حرام می‌کند؛ یا می‌خواهد بگوید که این می‌تواند به آنجا منتهی شود. چون این ظرفیت را دارد که مهیج باشد، ولو مهیج هم نباشد، لایجوز. ما در خصوص این دلیل داریم بحث می‌کنیم؛ واقع این است که همانطور که در کلام خود مستدل هم آمده، این روایت در واقع می‌گوید نظر به موی نامحرم حرام شده لما فیه من تهییج الرجال. مسلماً منظور این نیست که اگر موجب تهییج نباشد، پس یجوز. این کلاً می‌خواهد بگوید که نگاه کردن جایز نیست ولو لم یکن باعثاً و موجباً لتهییج. اگر این باشد، پس اصل این استناد و حکمت معنایش این است که این ظرفیت را دارد. چون در آن سه احتمال وجود دارد:

یک وقت می‌خواهد بگوید همیشه این چنین است که موجب تهییج می‌شود، که این واضح البطلان است. اگر بخواهیم بگوییم هر کجا موجب تهییج شد حرام است، این هم با عمومیت حکم سازگار نیست. احتمال سوم این است که چون این ظرفیت در آن وجود دارد، لما فیه من تهییج الرجال، یعنی اشاره به تهییج فعلی ندارد، تهییج شأنی را می‌خواهد بگوید؛ یعنی می‌خواهد بگوید نگاه به موی زن شأنت تهییج رجال و شأنت دعوت به فساد به دنبال تهییج را دارد، این شاید خلاف ظاهر این روایت

باشد که ما بگوییم شأنیت این تهییج را دارد. واقع این است که این شأنیت در مورد وجه و کفین هم هست. این شأنیت حتی برای برخی ممکن است نسبت به بعضی از مناظر و صحنه‌های دیگر هم باشد؛ این شأنیت حتی من وراء الحجاب هم ممکن است وجود داشته باشد. این بالاخره یک امری است که نمی‌توانیم روی آن تکیه کنیم. این بیان فلسفه یا حکمت این حکم در کلام امام(ع) نسبت به این تحریم و حرمت الهی است. اگر هم بخواهیم بگوییم نظر به بدن و موی زن ماده الفساد است و از باب قلع ماده الفساد خواسته‌اند بگویند نظر نکنید، این هم قابل قبول نیست که این به عنوان ماده الفساد باید قلع شود و قلع آن به تحریم النظر است.

لذا اینکه بخواهیم تسری بدهیم و مطلقاً حرمت نظر به تصویر را ثابت کنیم، با این دلیل نمی‌شود. البته می‌توانیم بگوییم چنانچه تصویر موجب تحریک و تهییج باشد، تصویر موجب التذاذ شود، موجب لذت باشد، یعنی نگاه به تصویر همراه با لذت، همراه با ریبه - به همان بیانی که ما گفتیم - باشد به گونه‌ای که مهیج باشد و تهییج کند، این شاید خالی از اشکال نباشد. اما مطلق النظر الی التصوير، مطلق نگاه کردن به عکس - چه متحرک و چه ثابت - ولو بدون التذاذ و بدون ریبه، ولو بدون تهییج، این لایجوز، حداقل این است که از این دلیل این سعه و اطلاق قابل استفاده نیست.

نتیجه بحث درباره ادله قول به عدم جواز

فتحصل من ذلك كله که ادله‌ای که بر حرمت نظر به تصویر زن اقامه شد، هیچ کدام نمی‌تواند به نحو مطلق حرمة النظر الی تصویر المرأة را ثابت کند. بله، با توجه به آنچه که از ادله استفاده می‌شود، می‌توانیم بگوییم نظر به تصویر براساس روایاتی مثل «النظر سهم من سهام ابليس»، «النظر زنا العين»، نظر همراه با لذت و همراه با ریبه، نظری که در آن برانگیختن شهوت وجود دارد، یعنی باعث برانگیختن شهوت می‌شود، مثلاً یک عکسی است که فرضاً یک خانمی در یک جمعی با لباس رسمی و بدون پوشش و حجاب انداخته است؛ این برانگیزانندگی و تهییج در آن نیست. اما فرض کنید با یک پوششی که داخل منزل است و راحت است و آنگونه که باید و شاید پوشیدگی ندارد، طبیعتاً این نگاه و این تصویر برانگیزانندگی و تهییج در آن وجود دارد. طبیعتاً ما نمی‌توانیم به نحو مطلق بگوییم النظر الی تصویر المرأة مطلقاً ولو لم یکن موجبا لتهییج الرجال، این اشکال دارد؛ اما به عنوان اینکه یک عکسی موجب تهییج باشد، موجب تحریک باشد، این باعث التذاذ شود و بعضی از مفاصد به دنبال آن جاری و مترتب شود، این ممکن است از آن باب حکم به حرمتش شود. ولی الان بحث ما در نفس نظر مرد به تصویر زن نامحرم است؛ از این ناحیه فی نفسه اشکال و ایرادی نیست و نمی‌شود فتوا به تحریم داد، هرچند والاحوط الاجتناب و ان كان الاقوی الجواز.

دو قول و تفصیل دیگر در اینجا هست که خوب است به آنها هم اشاره شود.

ادله قول به تفصیل بین معروف و غیر معروف

عرض کردیم یک قول و نظر، تفصیل بین زنی است که معروف و شناخته شده باشد و زنی که شناخته شده نباشد. بعضی‌ها تفصیل داده‌اند و گفته‌اند نظر به تصویر زنی که نزد ناظر شناخته شده است، جایز نیست؛ ولی نگاه به تصویر زنی که نزد ناظر شناخته شده نیست، این اشکالی ندارد. در نظرات آقایان هم بعضاً این بیان شده است.

دلیل اول

شاید دلیل تفصیل بین اینکه بیننده آن زن را بشناسد یا نشناسد، عمدتاً شاید مسأله هتک باشد؛ یعنی مثلاً گفته شود وقتی یک کسی عکس زنی را که می‌شناسد، می‌بیند، این یک نوع هتک نسبت به او محسوب می‌شود؛ ولی زنی را که نمی‌شناسد و عکس او را می‌بیند، این تعدی به عرض او و هتک او محسوب نمی‌شود. عمده دلیلی که برای این تفصیل می‌توانیم بگوییم، این است. شاهدش هم این است که خود آن شخص اگر یک زن مؤمن مسلمان اهل حجاب و ایمان باشد، واقعاً از اینکه عکس او توسط یک کسی مخصوصاً شناخته شده و شناس دیده شود، ناراحت می‌شود.

سؤال:

استاد: نظر عادی نه؛ نسبت به وجه و کفین متعارف است. خودش در خیابان می‌آید و این را در معرض قرار می‌دهد. این مقدار هتک محسوب نمی‌شود.

دلیل دوم

یکی هم اینکه ممکن است کسی بگوید اگر زنی شناخته شده باشد، این با رؤیت تصویر و نظر به تصویر آن مواضع و جاهایی که لایحل النظر الیه، این تهییج بیشتری پیدا می‌کند و ممکن آن یودی الی الفساد و الفتنة و الدخول فیما لایحل له الدخول. عمده این دو دلیل است؛ کسی ممکن است اینجا به این دو تمسک کند و بگوید نظر به عکس زن شناخته شده یا فیلم او، جایز نیست اما اگر زنی را نمی‌شناسد و هیچ آشنایی با او ندارد، دیدن عکس و تصویر او مانعی ندارد.

بررسی دلیل اول

باید ببینیم آیا این تفصیل اساساً قابل قبول هست یا نه. این دو وجهی که برای این تفصیل ممکن است به عنوان مستند قرار بگیرد، می‌تواند این تفصیل را اثبات کند یا نه. ما ادله‌ای که داریم هیچ کدام از اینها ظهور در این تفصیل ندارد؛ زن معروف و غیر معروف، در ادله این چنین نداریم که بخواهند تفکیک کنند و تفصیل از آن استفاده شود.

اولاً: باید ببینیم آیا واقعاً اساساً النظر الی الاجنبیه هتک محسوب می‌شود؟ اصلاً عکس را کنار بگذاریم؛ فرضاً کسی نظر به موی یک زن نامحرم کند، یا به دست یا ساق پای او نگاه کند، آیا این هتک محسوب می‌شود؟ نفس نظر به خود اجنبیه معلوم نیست که هتک محسوب شود. بله، یک وقت کسی ممکن است ببیند و بعد شروع کند به سخن گفتن و نوشتن درباره او، این یک عنوان دیگری پیدا می‌کند؛ ولی نفس نظر به اجنبیه معلوم نیست که هتک محسوب شود.

ثانیاً: بر فرض این را ما هتک به حساب بیاوریم و بگوییم نفس نظر به نامحرم هتک محسوب شود، سؤال این است که مسأله شناختن ناظر و عدم شناختن او چه تأثیری در این دارد؟ اگر یک زن مسلمان نباید به او نگاه شود چون هتک او محسوب می‌شود، فرق نمی‌کند که شناخته شده باشد یا نباشد.

سؤال:

استاد: به همان دلیلی که این زن مسلمان است و زن مسلمان یک احترامی دارد، شأن دارد به عنوان مسلمان بودن و شأن او این است که آن مواضع لازم الستر او مستور بماند.

پس اولاً معلوم نیست که با نظر به اجنبیه هتک اتفاق بیفتد. بر فرض هتک اتفاق بیفتد، مسأله این است که این چرا موجب تفصیل بین معروف و غیر معروف شود؟ اگر قرار است هتک شود، لافرق بین المعروف و غیرالمعروف؛ اینکه این زن شناخته

شده باشد یا نباشد تأثیری ندارد. اگر نفس نظر به زن نامحرم هتک او محسوب شود، این دیگر فرقی بین شناخته شده و غیرشناخته شده نیست. در مورد تصویر هم همین طور است؛ واقع این است که ما نمی‌توانیم بگوییم نظر به تصویر مطلقاً یوجب الهتک. بله، هر کاری در یک شرایط خاصی می‌تواند مصداق هتک قرار بگیرد. اما نظر به عکس زن نامحرم ولو شناخته شده باشد، این کجایش هتک است؟ فرض هم این است که یک عکس خاص که مثلاً عریان باشد نیست؛ ما می‌خواهیم ببینیم مطلق نظر به معروف حرام است یا نه. این کجا هتک محسوب می‌شود؟ نظر به تصویر به چه دلیل هتک محسوب شود؟ لذا دلیل اول قابل قبول نیست.

بررسی دلیل دوم

اما دلیل دوم که مسأله وقوع در فتنه و اثاره الشهوة و تهییج و تحریک باشد، این هم فرقی بین معروف و غیرمعروف در این جهت نیست. ربما تصویر یک امرأة غیرمعروف که به شدت موجب تهییج و تحریک باشد ولی تصویر یک زن معروف این اثر را نداشته باشد. البته ما عرض کردیم تصویر مطلقاً اگر این جهات در آن باشد، این به اعتبار این عناوین می‌تواند نظر به آن حرام باشد. اما بحث ما در این است که النظر الی تصویر المرأة من حیث هو، آیا حرام است یا حرام نیست. اگر یک عنوان یک دیگری پیدا کند، این بحث دیگری می‌شود.

لذا این دو دلیلی که برای تفصیل بین معروف و غیرمعروف گفته شده، به نظر می‌رسد مما لا وجه له و هر دو دلیل اگر پذیرفته شوند، از این جهت فرقی بین معروف و غیرمعروف نیست. اگر مسأله هتک است، هم برای معروف است و هم برای غیرمعروف؛ اگر مسأله فتنه و تهییج و اثاره الشهوة است، این دیگر فرقی بین معروف و غیرمعروف نیست، الا اینکه مثلاً در مورد معروف و شناخته شده ممکن است یک مقداری شدیدتر باشد، یک مقداری زمینه را برای تحقق آن عوارض و آثار قوی‌تر کند؛ به قول معروف کمی خطرناک‌تر شود، والا از این جهت به نظر می‌رسد فرقی بین معروف و غیرمعروف وجود ندارد.

سؤال:

استاد: اصلاً تصویر به عنوان حاکی بودن محل بحث است... مثلاً فکر گناه می‌کند؛ فکر گناه، گناه است؟ ... اینجا دو تا بحث مطرح است؛ یکی بحث سقوط اخلاقی است که اینجا بحث دیگری است. اینکه انسان در خیابان راه برود و ذکر نگوید، این غفلت خودش برای انسان هر جور در دسر دارد. بحث ما در تصویرسازی و خیال نیست. خیال‌بافی مگر حرام است؟ بله، مسأله لذت را عرض کردم که واقع این است که به آن عنوان چه بسا حرام است. مثلاً تصاویر مبتذل و فیلم‌های مبتذل، آیا دیدن اینها جایز است؟

وقت گذشته؛ یک تفصیل دیگر هم باقی مانده بین مباشر و غیرمباشر مخصوصاً در تلویزیون. مثلاً کسی مستقیماً دارد اخبار می‌گوید ولی یک فیلمی است که قبلاً ساخته‌اند و الان دارند نشان می‌دهند. این را بعداً بررسی می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»